

بِه نام
خداوند
جان خرد

نشر نو



حکیم ابوالقاسم فردوسی

بیژن و منیژه

یک اقتباس نمایشی

ابوالحسن تھامی

بیژن و منیژه یک اقتباس نمایشی

گزینش و تنظیم ابوالحسن تهامی

فرهنگ نثرنو تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده
تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱
نوبت چاپ اول، ۱۳۹۸
شمارگان ۱۱۰۰
صفحه آرا مرتضی فکوری
چاپ اکسیر
ناظر چاپ بهمن سراج

همه حقوق محفوظ است.

سرشناسه عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر مشخصات ظاهری
شابک وضعیت فهرست‌نویسی
موضوع
فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ق.
بیژن و منیژه/ ابوالقاسم فروسی؛ [گزینش و تنظیم] ابوالحسن تهامی.
تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۷.
۱۰۳ ص.
۹۷۸-۶۰۰-۴۹۰-۱۰۱-۷
فیپا
فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ق. . شاهنامه، بیژن و منیژه
شعر فارسی -- قرن ۴ق.
نمایشنامه منظوم فارسی -- قرن ۱۴
تهامی، ابوالحسن، ۱۳۱۷ -
۱۳۹۷ت ۹/۱۲/۴۹۲ PIR۴۴۹۲
۸۱ف۱/۲۱
۵۴۹۱۸۸۶
شناسه افزوده
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

مرکز پخش آسیم
تلفن و دورنگار ۸۸۷۴۰۹۹۲-۵
www.nashrenow.com
فروشگاه اینترنتی

به نام خداوند جان و خرد

پیشگفتار

فرزانه‌ی توس داستان بیژن و منیژه را با توصیف شبی تیره می‌آغازد که در آن ابرهای سیاه همچون فوجی از لشکریان در یک آرایش نظامی به پیشگاه آمده و چهره‌ی فرمانروای آسمان شب و سپاه ستارگانش را پنهان می‌کنند، و چادری از ظلمت محض برجهان فرو می‌کشند. اما شاعر بزرگ ظلم ظلمت را برنتافته، از همسرش می‌خواهد که قیرگونی شب را با افروختن چراغی بزاید و دلتنگی از ظلمات را، با سرودن داستانی از روزگاران کهن، همراه با ترنم جنگ، به دلشادی بدل کند.

بانوی فردوسی، که زبان پیشین ایران، پهلوی، را به نیکی می‌خواند و می‌نویسد، دفتری از گنجینه‌های باستانی را برمی‌گزیند، تارهای جنگ را به لرزش می‌آورد و خوانش آغاز می‌کند؛ اما پیش‌تر، از همسر خود پیمان می‌گیرد که آن داستان را، پس از شنیدن، به شعر پارسی بگرداند، که فرزانه‌ی توس خواسته‌ی همسرش را برمی‌آورد.



از عنوان این داستان، که نام پسری ست و دختری، شاید چنان برآید که ماجراهای آن، مانند داستان‌های ویس و رامین، لیلی و مجنون، وامق و عذرا، و خسرو و شیرین، همه از عشق و دلدادگی ست، اما چنان نیست. فرزانه‌ی توس در این داستان از منظری دور به عشق می‌نگرد و چندان به آن نزدیک نمی‌شود تا شرح دقیقی از سوز و گدازهای هرروزه‌ی دلدادگان را بنگارد و فراز و فرود التهابات درونی ناشی از قهر یک روز و آشتی روز دیگر، و سوسه‌ی تمناها، و شیرینی و جان‌بخشی دیدارها و لذات وصل را موبه‌ی مو بسراید؛ بل داستانی می‌پردازد:

پراز چاره و مهر و نیرنگ و جنگ همه در خور مرد فرهنگ و سنگ؛

یعنی برای آن که داستانش مردم متین با فرهنگ را پسند آید، آن را به چهار بخش می‌کند و تنها در یک چهارم آن سخن از مهر و مهرورزی می‌گوید و در سه بخش دیگر سخن را به میدان جنگ و انتقام، و دسیسه و چاره‌جویی می‌کشد. در آن یک چهارم نیز، سخن همه از شیرینی‌های عشقی سرکش و لگام‌گسیخته نیست. بیش‌تر، سخن از رنج‌های حاصل از جسارت، و از اندوه و سختی‌های تبعید و زندان پیامد قانون‌شکنی ست.

قانون کلی حاکم بر شاهنامه، نظربازی و دل‌باختگی پیش از زناشویی را روا می‌بیند، اما برهمبستگی پیش از زناشویی چهره عبوس می‌کند و آن را گناه می‌داند. قصه‌ی مهرورزی زال و رودابه برپایه‌ی چنین قانونی ست: زال که نادیده دل به عشق رودابه بسته است، پس از آگاهی از دل‌بستگی متقابل دلدار، شبی با کمند، دزدانه، از کنگره‌ی قصر او بالا می‌رود و معشوق را از نزدیک می‌بیند، از زیبایی چهره‌اش به شگفت می‌شود، و با او به



بیژن و منیژه

(موسیقی آغازین)

(جیرجیرک، کوکوی جغد و عوعوی سگی از دوردست)

(زوزه‌ی باد، وزش باد، باد شدت می‌گیرد)

(صدای غرش تندر از دوردست)

(موسیقی شدت می‌گیرد و به اوج می‌گراید)

راوی:

شبی چون شبه^۱ روی شسته به قیر نه بهرام پیدا نه کیوان نه تیر

(صدای باد)

دگرگونه آرایشی کرد ماه	بسیج گذر کرد بر پیشگاه
سپاه شب تیره بر دشت و راغ	یکی فرش گسترده از پر زاغ
نموده ز هر سو به چشم اهرمن	چو مار سیه باز کرده دهن
فرو ماند گردون گردان ز جای	شده سست خورشید رادست و پای
نَبُد ایچ پیدا نشیب از فراز	دلَم تنگ شد زان شب دیر یاز ^۲
بدان تنگی اندر بجستم ز جای	یکی مهربان بودم اندر سرای

۱. سنگی فیرگون.

۲. دراز، طولانی.



فردوسی: (با صدای بلند و ازدور)

شمعیم آور ای یار نیک

راوی:

خروشیدم و خواستم زو چراغ
برفت آن بت مهربانم به باغ

بانوی فردوسی:

... .. شمعت چه باید همی
شب تیره خوابت نباید همی

(باد رفته رفته کم می شود، جیرجیر ادامه دارد،

عوعوی سگ دوردست، صدای پا)

فردوسی: (بانویه او نزدیک شده است با مهربانی و صدای پایین تر)

... ای بت، نیم مرد خواب
یکی شمع پیش آر چون آفتاب
بینه پیشم و بزم را ساز کن
به چنگ آر چنگ و می آغاز کن.

بانوی فردوسی: (به آرامی می خندد)

راوی:

برافروخت رخشنده شمع و چراغ
بیاورد شمع و بیامد ز باغ

(خندهی مهرآمیز بانوی فردوسی با صدای چنگ ادغام می شود)

راوی:

دلم بر همه کام پیروز کرد
که بر من شب تیره نوروز کرد.



بانوی فردوسی:

در این جنگ هم ایرانیان پیروز می‌شوند و رستم پس از بخش کردن غنائیم
جنگ به نزد خسرو می‌شتابد.

راوی:

چو آگاهی آمد به شاه دلیر که از بیشه پیروز برگشت شیر
و بیژن شد از بند و زندان رها ز دست بداندیش نر ازدها
پذیره شدش شهریار جهان نگهدار گردان و تاج مهان

بانوی فردوسی:

خسرو به خجستگی این پیروزی جشنی بزرگ می‌آراید.

(موسیقی پرسروصدای جشن و هیاهو)

رستم: (خنده‌ی شادمانه)

بیژن: (خنده‌ی شادمانه)

گیو: (خنده‌ی شادمانه)

خسرو: (خنده‌ی شادمانه)

منیژه: (خنده‌ی شادمانه)

گرگین: (خنده‌ی شادمانه)



خسرو برای سپاسگزاری از پهلوانان و گردان به آنان اسپ و زر و خواسته می‌بخشد. و سپس بیژن را به پیش می‌خواند، بیژن زمین را می‌بوسد و سپس خسرو او را کنار خود می‌نشانند.

راوی:

چو از کارِ گردان بپردخت شاه	به آرام بنشست بر پیشگاه
بفرمود تا بیژن آمدش پیش	سُخُن گفت از آن رنج و تیمارخویش.
بپسید و بخشایش آورد سخت	ز درد و غم دخت گم بوده بخت
بفرمود صد جامه دیبای روم	همه پیکرش گوهر و زر بوم
یکی تاج و ده بدره دینار نیز	پرستنده و فرش و هرگونه چیز
به بیژن بفرمود:

خسرو:

... .. این خواسته	ببر پیش دخت روان کاسته
به رنجش مفرسای و سختش مگوی!	نگر تا چه آوردی او را به روی
تو با او جهان را به شادی گذار	نگه کن بر این گردش روزگار
یکی را ز چاه آورد سوی گاه	نهد بر سرش بر ز گوهر کلاه
هم آن را که پرورد در بر به ناز	بیفگند خیره به چاه نیاز.

(موسیقی شاد پایانی)



<p style="text-align: center;">کسان نمایش</p> <p>راوی (ابوالقاسم فردوسی) بانوی فردوسی گیو، فرزند گیو، پدر بیژن، داماد رستم کیخسرو، پادشاه ایران، پسر سیاوش، نوهی کاووس، نوهی افراسیاب بیژن، پسر گیو، نوهی رستم گرگین میلاد پهلوان سپاه ایران منیژه دختر افراسیاب افراسیاب، پادشاه توران گرسیوز، برادر افراسیاب و فرمانده سپاه توران پیران ویسه، وزیر افراسیاب رستم، پهلوان ایران، فرزند زال</p>	<p style="text-align: center;">گویندگان نقش‌ها</p> <p>ابوالحسن تهامی نگین کیانفر میثم نیکنام منوچهر والی‌زاده سعید شیخ‌زاده تورج مهرزادیان اشا محرابی محمود قنبری میرطاهر مظلومی ژرژ پطرسی و چنگیز جلیلود هنرمندان میهمان آزاده شکوری‌راد، پانته‌آ میرفصیحی، غزال حسینی، یاسمین ذوالفقار احسان حاجیانی، امید زنگانی، دانیال اسلامی، مهدی الوندپور، وحید حجه فروش.</p>
<p style="text-align: center;">استاد حسین دهلوی مهندس مهدی امینی، شادی کیا حسین مطمئن‌زاده استودیو کوالیما، تهران، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، بهار و تابستان ۱۳۹۷ مهندس مهدی امینی ابوالحسن تهامی</p>	<p>موسیقی متن: گزیده‌هایی از سمفونی بیژن و منیژه، ساخته‌ی صدابرداران جلوه‌های صوتی و صدا آمیزی کلیه‌ی کارهای صوتی با نظارت تنظیم‌کننده‌ی نمایش، تهیه‌کننده و کارگردان</p>